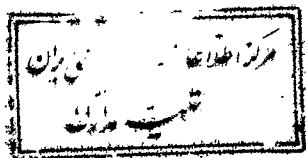


Handwritten scribbles and numbers at the top of the page, including sequences like 11-22-33-44-55-66-77-88-99 and 10-20-30-40-50-60-70-80-90.

Handwritten scribbles and numbers in the upper left quadrant, including a circled '2' and some illegible characters.

Handwritten scribbles and numbers in the upper right quadrant, including the sequence 11-22-33-44.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۱۳۷۸ / ۱۲ / ۲۰

دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دکتر علی شریعتی)

بررسی اندیشه در شعر پنج شاعر بزرگ شعر نو

(نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید حسین فاطمی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد رضا راشد محصل

دانشجو:

۱۲۸۴۹/۱

محمد صفایی

تأسیسات: ۱۳۷۷



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

شماره

تاریخ

پیوست

به نام خدا

گزارش جلسه دفاع پایان نامه

از آنجاکه آقای / خانم محمد عباس دانشجوی دوره کارشناسی ارشد / دکتری زبان و ادبیات فارسی ، واحدهای درسی خود را درین مقطع تحصیلی گذرانده اند و پایان نامه خویش را که موضوع آن « بررسی اندیشه در شعر بزرگ شهنواز » است برای دفاع آماده کرده اند، بموجب دستور جلسه شورای تخصصی گروه زبان و ادبیات فارسی و بدعوت این گروه ، جلسه دفاع ایشان در ساعت ۱۰ پیش از ظهر / بعد از ظهر روز ۳۰/۴/۷۷ در اتاق شورای دانشکده تشکیل گردید.

در آغاز آیاتی از قرآن مجید تلاوت شد آنگاه بدعوت استاد راهنمای رساله آقای / خانم محمد عباس خطابه دفاعیه خود را قرائت کردند . سپس پرسشهای هیأت داوران مطرح گردید و آقای / خانم محمد عباس با پاسخ به آن سوالات به دفاع از رساله خویش پرداختند. پس از دفاع ایشان در ساعت ۱۲/۱/۷۷ جلسه برای شور به مدت ۱۵ دقیقه تعطیل گردید. سرانجام بابررسی و ارزیابی هیأت داوران و با توجه به ماده ۲۲ آیین نامه مربوط به دریافت درجه کارشناسی ارشد / دکتری زبان و ادبیات فارسی رساله مزبور به اتفاق آراء با درجه عالی ۱۹ معادل عالی ۱۹ پذیرفته گردید و آقای / خانم محمد عباس به احراز درجه کارشناسی ارشد / دکتری زبان و ادبیات فارسی نایل آمدند .

هیأت داوران این پایان نامه و امضا کنندگان این گزارش عبارتند از :

استاد راهنما: دکتر محمد حسن ناصح
 استاد / استادان مشاور: دکتر ابوالفضل محمدی
 استاد منتخب گروه: دکتر محمد حسن ناصح



نام: محمد

نام خانوادگی دانشجو: صفایی

عنوان پایان نامه: بررسی اندیشه در شعر پنج شاعر بزرگ شعر نو

استاد مشاور: جناب آقای دکتر راشد

استاد راهنما: جناب آقای دکتر فاطمی

رشته: ادبیات گرایش: فارسی

دانشکده: ادبیات فردوسی مشهد

تعداد صفحات: ۲۵۰

تاریخ دفاع: ۱۳۷۷/۶/۲۸

کلیدواژه ها:

چکیده: (حداکثر ده سطر - لطفاً تایپ شود)

در این رساله تفکر پنج شاعر بزرگ شعر نو را (نیمایوشیخ، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری) بر اساس دو روش کاملاً جدید مورد مطالعه قرار داده ایم که در واقع می باید آن را اعمال نوعی نگرش فلسفی در خصوص ادبیات تلقی کرد. بزبانه همین دو روش بوده است که رساله را نیز به دو کتاب تقسیم کرده ایم. اما البته در هر دو کتاب و بر اساس هر دو روش، در پی اثبات یک موضوع بوده ایم.

در فصل اول از کتاب اول، برای فرهنگ سنتی در قلمروهای مختلف آن دو ویژگی مهم ذکر کرده ایم و گفته ایم که ویژگی مشترک شاعران مذکور - با وجود همه اختلافاتی که می توان در تفکر آنها مفروض گرفت - «اعراض» از آن دو ویژگی بوده است. به همین سبب در عین حال اعراض را در این رساله وجه ممیز شعر نیمایی از شعر سنتی دانسته ایم. اعراض خود وجوه مختلفی داشته است که در شعر هر یک از پنج شاعر مذکور، به مطالعه وجهی از آن که تشخیص بیشتری داشته است، پرداخته ایم.

پرداختن به تفکر سنتی در کتاب اول یا بازاندیشی تفکر مولانا در کتاب دوم - در ارتباط با موضوع اصلی

رساله - بر اثر الزامی بوده است که آن الزام را در مقدمه توضیح داده ایم.



نام خانوادگی دانشجو: Safaei نام: Mohammad

عنوان پایان نامه: Study of Tink in the new poems

استاد راهنما: D.r fatemi استاد مشاور: D.r rashed

دانشکده: D.r shariati رشته: Letrature گرایش: Per:ion

تاریخ دفاع: 19-sep-1998 تعداد صفحات: 250 p.j

کلید واژه ها:

چکیده: (حد اکثر ده سطر - لطفاً تایپ شود)

verse studied the point ofview of five great poets of new In this treatise based on two new methods we have

(Nimayooshij, Mehdi Akhavan Sales, →

Ahmad Shamloo, Froogh farrokhzad and Sohrab Sepehri).In fact this study is causing a kinol of philosophical

look to ack based on these two methods of course we want to prove a matter in both of the books and based on two

methods. in the first section of the first bood we have mentioned two important specification of folklore culture

of some differences in these poets , view points, they specifications. there fore the difference between nima

verses and folklore ones is abstinance. There are different aspect by which these poets have been known.

we have explance that is necessary to pay to folklore viewpoint in the first book or study of molana's view point

in the second book in relation to the main subject of the treatise.

تقديم به همه كسانی كه

يستمعون القول فيتبعون أحسنه

بعد از هر کس که غمناک و غمناک است

مقدمه :

تاکنون در تحقیقات مربوط به ادبیات از گذشته تا حال، دو نوع روش معمول بوده است؛ ۱- تحلیل معنایی متن و ۲- تحلیل فرم گرایانه آن که این دومی مقوله جدیدتری است. البته چنان نیست که تحلیل گران معنایی به فرم توجه نکرده باشند یا این که صورتگرایان برای معنا اعتباری قائل نباشند، بلکه باید دانست که از این تقسیم رویکرد اولی یا نیت اصلی اعمال شده‌ای را که در هر یک از این دو روش قابل تشخیص است، منظور کرده ایم.

در تحلیل معنایی آنچه که اهمیت داشته، درک بهتر معنای متن بوده است، حتی می توان گفت که اگر تحلیل گران معنایی به مبانی زیباشناسی شعریا متن توجه می کرده اند، آن را مقدمه ای برای استنباط دقیقتر معنای متن می دانسته اند؛ زمخشری (متوفای ۵۳۸ هجری) که خود از عالمان بزرگ هرمنوتیک در فرهنگ سنتی محسوب می شود، در مقدمه تفسیر کشاف می نویسد که «... عالم علم کلام اگر در صناعت کلام بر همه دنیا چیره شود و حافظ قصص و مسائل تاریخی حتی اگر از ابن القریه حافظ تر باشد... و دانشمند نحو دان اگر در علم نحو از سیبویه دانتر باشد...، هیچ یک نمی توانند به کنه آیات قرآنی پی ببرند، مگر اینکه در دو علمی که مختص به قرآن است تبحر پیدا کنند و آن دو علم، معانی و بیان است»^۱ و بلکه علاوه بر معانی و بیان، توجه به تذکره نویسی هم به این منظور بوده است و مگر نه این است که در تحلیل سنتی معتقد هستیم که اگر چنانچه از زندگی یک شاعر اطلاع کافی نداشته باشیم، در این صورت قادر به درک او نخواهیم بود؟ بنابراین اگر می گوئیم که تحلیلهای سنتی بیشتر از مقوله

۱- ن.ک: دکتر محمد علوی مقدم، دکتر رضا اشرف زاده، معانی و بیان، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

تحلیل معنایی بوده است، به این معنا نیست که تحلیل گران سنتی به مقولات دیگر و از جمله ساخت و صورت شعر نپرداخته اند بلکه مقصود این است که آنها از طریق این قبیل مباحث بیشتر، دریافت معنای متن را منظور می کرده اند. مقولات مربوط به علم بدیع را هم می باید در ادبیات سنتی به منزله زیورهایی دانست که خوب رویان بکر معانی را می آراسته است، از این رو هیچ گاه به اندازه خود معنی موضوعیت نداشته است.

در نقد فرمالیستی برخلاف تحلیل معنایی، آنچه که اهمیت دارد ساخت و صورت شعر است و نه معنی آن. آقای دکتر شفیعی کدکنی، در کتاب موسیقی شعر، که شاید مهمترین اثر فرمالیستی در نقد ادبی معاصر باشد، آشکارا به ستایش فرم پرداخته است^۲ و به پیروی از صورتگرایان روسی معتقد است که در ادبیات و هنر و حتی در فلسفه، برخلاف علوم، فرماست که در تحول است نه مبانی و مسائل آن.^۳ البته در نقد فرمالیستی هم، چنان نیست که تحلیل گر به معنای شعر یا متن بی توجه باشد، اما توجه او متفاوت است با روشی که در تحلیل معنایی معمول بوده است؛ بیدل شاعر آینه ها، یک اثر فرمالیستی ممتاز محسوب می شود که مؤلف به جای آن که معنای تک تک ابیات را توضیح داده باشد، بر اساس فرم به ارائه کلیدهایی پرداخته است که با توجه به آن می توانیم با شعر بیدل ارتباط برقرار کنیم. بنابراین باید گفت که در نقد فرمالیستی - برخلاف تحلیل معنایی، رویکرد اصلی تحلیل گر متوجه ساخت یا صورت شعر می باشد یا اینکه برای صورت شعرشان بالاتری قائل است.

این رساله را باید به منزله «خط سوم»ی دانست که شعر و ادبیات فارسی در آن، بر اساس دوروش کاملاً جدید مورد تحلیل قرار گرفته است؛ در کتاب اول، به بررسی ساختارهای ذهنی - وجودی ادبیات که نوعی پدیدار شناسی مفهومی است، پرداخته ایم.

بر اساس این روش می باید معلوم می کرده ایم که ادبیات سنتی و ادبیات جدید هر یک تابع کدام ساختار وجودی بوده اند. ویژگی مشترکی که شاعران بزرگ شعر نیمایی را به هم مربوط می کند و از طرف دیگر وجه تمیز آنها از شاعران سنتی محسوب می شود کدام است. آیا صرف شکستن وزن می تواند وجه تمایز شعر نو از شعر سنتی محسوب شود؟ و پاسخ دادن به سؤالات دیگری که در این مقدمه مجال طرح

۲- ن. ک: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، موسیقی شعر، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران: ۱۳۶۸، ص سی و دو.

۳- ن. ک: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، همان کتاب، ص سی و چهار.

همه آنها نیست. همچنین بر اساس این روش به نقض آشکار مبانی نقد فرمالیستی، که زبان و روابط اجزایی زبان را محور همه تحولات شعر می داند، پرداخته ایم و برای مثال نشان داده ایم که شعرهای نیمایی آقای دکتر شفیعی، اگرچه به لحاظ فرم جدید محسوب می شود، از جهت فضای خاصی که بر آن حاکم است، همچنان متعلق به حوزه تفکر سنتی است (فصل دوم از کتاب اول). درست است که جهان بینی جدید فرم شعر را هم تحت تأثیر خود قرار می دهد، اما چنان نیست که اگر زبان شاعری جدید باشد، جهان بینی او هم جدید محسوب شود.^۴

در کتاب دوم، بر پایه تحلیلی خاص که در این رساله آن را تحلیل مفهومی نامیده ایم، تفکر مولانا و سپهری را، که از نمایندگان بزرگ شعر و تفکر در ادبیات سنتی و جدید محسوب می شوند، مورد باز تأمل قرار داده ایم. نویسنده این رساله معتقد است که تاکنون، بازاندیشی تفکر بر اساس تحلیل مفهومی مسبوق به هیچ سابقه ای نبوده است. تحلیل مفهومی اسرار متن را از درون خود متن جستجو می کند. در فصل اول از کتاب دوم به توضیح مبسوط این مطلب پرداخته ایم که روش مذکور بر اساس کدام فرآیند تعقل ورزی صورت گرفته است و تفاوت آن علی الخصوص با تحلیل معنایی در چیست.

چنان نیست که در روشهای مذکور به صورت یا معنای شعر نپرداخته باشیم، بلکه صورت و یا معنا را صرفاً به عنوان یکی از شاخصها و واقعیتهای چندگانه متن، در ارتباط با دنیای ویژه هر شاعر (سپهری و مولانا) مورد بررسی قرار داده ایم. تفاوت و بلکه تقابل این دو روش با نقد فرمالیستی و تحلیل معنایی تقریباً از همه جای رساله کاملاً مشهود است. (و برای مثال اشاره می کنیم به مباحث مربوط به فرم در فصل دوم و پنجم از کتاب اول، همچنین واژه - شیء و تفاوت آن با حسامیزی در فصل دوم از کتاب دوم. یا مباحث معنایی که در برخی از جاهای رساله و از جمله فصل دوم (--> تحلیل شعر آب از سپهری) ، سوم و چهارم از کتاب دوم رساله آمده است).

این رساله مجموعاً دارای دو کتاب و ده فصل است که کتاب اول خود به شش فصل تفسیم می شود:

در فصل اول ابتدا به وجه تمایزی که می تواند میان دو فرهنگ شرق و غرب یا سنتی و جدید، وجود داشته باشد، پرداخته ایم؛ هر فرهنگ با ساختار ذهنی - وجودی خاصی که بر آن حاکم است، محصولات و

۴- آقای دکتر شفیعی معتقد هستند که «وقتی زبان شاعری تکراری است، جهان بینی او هم تکراری است، آنهایی که تصور می کنند بازبان فرخی سیستانی یا زبان سعدی شیرازی می توان در این عصر، تجارب انسان عصر ما را تصویر کرد به دلایل صد درصد علمی علم دلالت جدید Semantics، حرفشان پوچ و بی معنی است» (ن.ک: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، ادوار شعر فارسی، ص ۲۸) اما جالب است که در برابر کسانی که بیش از اندازه بر فرم تأکید کرده اند برای پنج شاعر بزرگ نیمایی که اتفاقاً به فرم خاصی نیز دست یافته اند، فرم تا این حد

مقولات خاص خود را در پی داشته است که همه آنها نیز تابعی از آن ساختار محسوب می شوند. این ساختار را در فرهنگ شرق و ادبیات سنتی، ساختار «هرمی - اشراقی» و در فرهنگ غرب، ساختار «توصیفی» نامیده ایم و مبسوطاً به توضیح این نکته پرداخته ایم که چرا دستاوردهای جدید نتوانسته است در فرهنگ شرق، همان کار آیی را داشته باشد، که در فرهنگ غرب داشته است. و اصولاً چرا - با وجود آن که در جهان ارتباطات زندگی می کنیم - دو فرهنگ نتوانسته اند ارتباطی از نوع تبادل داشته باشند آن چنان که گویا مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ - بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ*.

همچنین در این فصل به یکی دیگر از ویژگیهای مهم و مشترک فرهنگ و ادبیات سنتی که تذکر یا رجوع به سنت معنوی فرهنگ گذشته است، پرداخته ایم؛ به این معنا که هراثر، در عین حال که در محور عمودی از ساختار هرمی - اشراقی پیروی کرده است، در محور طولی، تذکر فرهنگ سنتی محسوب می شود. مطالب این فصل را در واقع پایه ای برای موضوع اصلی رساله که بررسی اعراض در شعر و تفکر نیمایی است قرار داده ایم.

در فصل دوم گفته ایم که تفاوت شعر نیمایی با شعر سنتی، فراتر از شکستن قالبهای سنتی و پرداختن به موضوعات و حتی جهان بینی های جدید، یک تفاوت ساختاری - وجودی است به این معنا که شاعران بزرگ شعر نیمایی (نیما، اخوان، شاملو، فروغ و سپهری)، از ویژگیهای مذکور در شعر و تفکر سنتی، اعراض کرده اند. برای اعراض هم دو مرحله بر شمرده ایم و مرحله دوم آن را انحصاراً به شعر و تفکر سپهری مربوط دانسته ایم، همچنین گفته ایم که اعراض اگر چه ویژگی مشترک شاعران بزرگ شعر نیمایی است در عین حال وجوه مختلفی دارد. که در فصول بعد در شعر هر شاعر به وجهی از اعراض که در شعر و تفکر او تشخیص بیشتری داشته است، پرداخته ایم. و در ارتباط با آن موضوع برای هر فصل نامی انتخاب کرده ایم؛

فصل سوم با عنوان سویی شهر خاموش، بررسی اعراض در شعر و تفکر نیماست.

فصل چهارم با عنوان پوستین کهنه، به بررسی اعراض در شعر و تفکر اخوان اختصاص یافته

است.

موضوع بحث نوازنده است.

→ (و برای مثال اخوان می نویسد: «فرم مطرح نیست، حرفی اگر داری در هر قالب بریزی ریخته ای، زراگرد در هر قالب ریخته شود هر سبک و سبکی ای که پیدا کند، زراست و ارزش دارد... (ن.ک: مهدی اخوان ثالث، بهترین امید، ص ۴۰. نظیر این سخن را در جای خود از چهار شاعر دیگر نیز نقل کرده ایم.

* سورة رحمان، آیه ۱۹ و ۲۰.

فصل پنجم در ابتدای پیوسته، بررسی اعراض در شعر و تفکر شاملو است و بالاخره در فصل ششم که آخرین فصل از کتاب اول است، با عنوان زنی تنها در آستانه فصلی سرد، به بررسی اعراض در شعر و تفکر فروغ پرداخته ایم.

کتاب دوم که تقریباً از اواسط رساله شروع می شود، شامل چهار فصل است؛ در فصل اول به توضیح روش (هرمنوتیک و یا تحلیل مفهومی)، پرداخته ایم و به اجمال تفاوت‌های آن را با روش‌های دیگر بررسی کرده ایم.

فصل دوم به بازاندیشی تفکر سپهری بر اساس تحلیل مفهومی اختصاص یافته است.

فصل سوم بازسازی تفکر مولانا است بر اساس تحلیل مذکور

و بالاخره در فصل چهارم که آخرین فصل رساله نیز هست به مقایسه سپهری و مولانا و بررسی تفاوت‌های آن دو اختصاص یافته است. روش ما در این کتاب حتی آنجا که به بررسی تفکر مولانا پرداخته ایم متفاوت است با روش‌هایی که تاکنون متداول بوده است، در عین حال کتاب دوم را نیز می باید اثبات اعراض در تفکر سپهری تلقی کرد.

اگر این رساله از حیث موضوع قلمروهای بسیار گسترده ای مانند فرهنگ شرق و مقایسه تطبیقی آن با فرهنگ غرب، ادبیات (سنتی و نیمایی)، شریعت، عرفان و فلسفه و... را در بر می گیرد و شاید در همه این زمینه ها نیز حاوی مطالب جدیدی باشد، نباید تصور کرد که این رساله ملغمه ای از همه آن موضوعات است بلکه همه رساله اثبات یک موضوع که اعراض در شعر و تفکر نیمایی است، محسوب می شود.

اگر چنانچه در مباحث ژرف ساختاری این رساله به این نتیجه رسیده ایم که ویژگی مهم شعر نیمایی که از یک سو شاعران بزرگ شعر نو را به هم مربوط می کند و از طرف دیگر وجه ممیز همه آنها محسوب می شود، می بایست به توضیح این مطلب می پرداختیم که اعراض از چه چیزی صورت گرفته است؟ بنابراین ضرورت طرح مباحث تطبیقی و ژرف ساختارهای فرهنگ سنتی بر اثر پاسخ دادن به این سؤال بوده است اعراض همچنان که اشاره کردیم دارای دو مرحله بوده است که مرحله دوم آن انحصاراً در شعر و تفکر سپهری قابل تشخیص است. به عبارت دیگر شعر سپهری در اعراض خود از

شعر چهارشاعر دیگر شعر نو که در این رساله مورد بررسی قرار گرفته اند، عمیق تر است. اما اثبات این مدعا چگونه ممکن بود؟ مگر آن که تفکر سپهری را بر اساس تحلیل مفهومی مورد بازاندیشی قرار می دادیم به ویژه که برخی از معاصران شعر و تفکر او را باشعرو تفکر مولانا قابل قیاس دانسته اند و برای مثال هفت وادی سلوک را که در عرفان عملی سنتی مطرح بوده است، در شعر و تفکر سپهری جستجو کرده اند.^۵ پس در واقع اثبات اعراض در تفکر سپهری بوده است که ضرورت بازاندیشی تفکر مولانا را نیز ایجاب کرده است. بنابراین همه رساله از یک انسجام کاملاً درونی برخوردار است و در عین حال روایتی منسجم از ادبیات سنتی و ادبیات جدید محسوب می شود.

این تحقیق محصول دانش آموزی در دو دانشگاه معتبر امروز - دانشگاه تهران و دانشگاه فردوسی - مشهد بوده است؛ اگر چنانچه پایه های اولی آن در دوران کارشناسی و از حدود شش سال قبل با تأملات شخصی در دانشگاه تهران آغاز شد، این رساله افتخار آن را داشت که در دانشگاه فردوسی مشهد و زیر نظر برخی از بزرگترین صاحب نظران معاصر ادبیات و از جمله جناب آقای دکتر سید حسین فاطمی، استاد محترم راهنما و جناب آقای دکتر محمد رضا راشد محصل، استاد محترم مشاور، به رشته تحریر در آید.

فضل جناب آقای دکتر فاطمی در تسلطی که بر فرهنگ سنتی و علی الخصوص حوزه معرفت شناختی دین دارند بر کسی پوشیده نیست، اما باید گفت که ایشان، در عین حال از معدود روحانیانی هستند که در متن مقولات و موضوعات جدید نیز بوده اند. شاید برای اهل نظر همین اشاره کوتاه کافی باشد که ایشان حتی در برخی از جلسات مرحوم دکتر احمد فرید نیز حضور داشته اند؛ دکتر احمد فرید در میان محققان معاصر اولین کسی است که با اقتدار از شناخت فرهنگ غرب سخن گفت و غرب شناسی بابی است که اگر چه فاتح آن نبود، اما او فتح کرده است. علاوه بر این جناب آقای دکتر فاطمی در گریه ها و دغدغه های فکری بسیاری داشته اند و این را من در هر بار که خدمتشان می رسیدم و باب بحث بر سر یکی از موضوعات گشوده می شد، در می یافتم.

جناب آقای دکتر راشد استاد محترم مشاور نیز معرف حضور خاص و عام هستند و علی - الخصوص که خراسانیها ایشان را پیش از آن که به دانشگاه وارد شوند، می شناسند. فضیلت های علمی -

اخلاقی ایشان نیز بر کسی پوشیده نیست. از خصوصیات آقای دکتر راشد که نباید آن را نادیده گرفت، دقت و حوصله بیش از حدی بود که ایشان در مطالعه مطالب رساله مصروف می داشتند آن چنان که حتی پی نوشتهای متن را هم مورد ارزیابی قرار می دادند و دانشجو را از راهنماییهای مفید خود بی نصیب نمی گذاشتند.

یکی دیگر از استادانی که لب شیرین او بر این رساله حق نسک دارد، جناب آقای دکتر محمد جعفر یاحقی هستند که اعتبار و شهرت ایشان در دانشگاههای دیگر کشور نیز معلوم است. نویسنده این رساله که در تابستان سال قبل (۷۶)، بر سر انتخاب موضوع مردد بود، ابتدا با ایشان مکاتبه و مشورت کرد و طرح پیشنهادی خود را که نزدیک به سی صفحه بود، در اختیار ایشان قرار داد. ایشان نیز که همه آن مطالب را با دقت و حوصله تمام مورد مطالعه قرار داده بودند، دانشجو را از راهنماییهای دقیق و تشویقهای بی دریغ، بی نصیب نگذاشتند. فرصت را مغتنم می شمارم و راهنماییهای این بزرگواران را - که اگر نبود، این رساله به فرجامی نمی رسید - ارج می نهم و از همه آنها کمال امتنان را دارم.

مقدمه

کتاب اول

یک گاه هفت

- ۲ فصل اول: ساختار هرمی - اشراقی، ساختار توصیفی
- ۳ بررسی تطبیقی فرهنگ شرق و غرب
- ۱۱ بررسی ساختار هرمی - اشراقی در قلمرو معرفت دینی
- ۱۵ بررسی ساختار هرمی - اشراقی در ادبیات سنتی
- ۱۸ فهرست منابع و مآخذ
- ۲۲ فصل دوم: بررسی اعراض در شعر و تفکر نیمایی
- ۳۲ تفاوت اعراض با معارضه جویی
- ۳۴ بررسی علت اعراض در شعر و تفکر نیمایی
- ۳۷ خلاصه مطالب
- ۴۱ فهرست منابع و مآخذ
- ۴۶ فصل سوم: سوی شهر خاموش (بررسی اعراض در شعر و تفکر نیمایوشیج)
- ۴۷ زندگینامه نیمایوشیج
- ۵۰ سوی شهر خاموش
- ۵۷ آی آدمها
- ۵۸ داروگ
- ۵۹ اجاق سرد

- ۶۰ ماخِ اولا
- ۶۲ فهرست منابع و مأخذ
- ۶۴ فصل چهارم: پوستین کهنه، بررسی اعراض در شعر و تفکر مهد اخوان ثالث (م. امید)،
- ۶۵ زندگینامهٔ اخوان
- ۶۷ پوستین کهنه
- ۷۶ کتیبه
- ۸۰ فهرست منابع و مأخذ
- ۸۲ فصل پنجم: ابدیتی پرستاره، بررسی اعراض در شعر و تفکر شاملو (الف. بامداد)
- ۸۳ زندگینامهٔ احمد شاملو
- ۸۵ در ابدیتی پرستاره
- ۹۵ سرود ابراهیم در آتش
- ۹۸ توضیحاتی مربوط به شعر سرود ابراهیم در آتش
- ۱۰۰ فهرست منابع و مأخذ
- ۱۰۱ فصل ششم: زنی تنها در آستانهٔ فصلی سرد (بررسی اعراض در شعر و تفکر فروغ فرخزاد)
- ۱۰۲ زندگینامهٔ فروغ فرخزاد
- ۱۰۴ زنی تنها در آستانهٔ فصلی سرد
- ۱۱۱ دلم برای باغچه می سوزد
- ۱۱۷ فهرست منابع و مأخذ